



مثل همان اول فیلم که موقع خواستگاری گفت هیچی ندارم. راست. به شدت انسانی و پراز حس. یک شعر بلند زیبا. ممنونم آقای حجازی فر از یادداشت اینستاگرامی این گالری دار و مترجم برای «موقعیت مهدی»

علاقه‌مند شدم ببینم در مقام کارگردان چه کرده است. فیلم در مورد جنگ ایران و عراق و مهدی باکری بود. فیلمی پر از حس و بسیار واقعی. اصلا سعی نکرده بود به ضرب و زور دیالوگ‌های احساسی یا صحنه‌های دلخراش جنگی، شما را تحت تأثیر قرار دهد. راحت و ساده و بی‌اداو واقعی. درست

لیلی گلستان: من منتقد فیلم نیستم اما فیلم و سینما را دوست دارم و سینمای ایران را دنبال می‌کنم
 فیلم «موقعیت مهدی» اولین فیلم جشنواره است که دیدم. مهدی حجازی‌فر را از «ایستاده در غبار» شناختم در مقام بازیگر و بعد «آتابایی» را دیدم که فیلمنامه او بود و



یک شعر بلند زیبا

به بهانه حضور امیر آقایی در «خائن کشی» و «بی‌مادر»

عیار ۱۸

چهره‌روز



محدثه واعظی‌پور روزنامه‌نگار

همکاری با مسعود کیمیایی برای بازیگری که در سال‌های اخیر، بازی ضعیف از او ندیده‌ایم، پاداشی شایسته بود. فیلم‌های کیمیایی با هر کیفیتی، معمولاً چند بازی درخشان یا غیرقابل انتظار دارند. این بار امیر آقایی در گروه بازیگران فیلم «خائن کشی» که همگی فراتر از انتظار هستند و یک مهران مدیری پس از سال‌ها «قابل توجه» دارد، تماشایی است. آقایی پس از بازی برونگرایانه در «شنای پروانه» (محمد کارت) و دریافت سیمرغ بهترین بازیگر مرد سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، نیاز به یک اتفاق تازه در کارنامه‌اش داشت. آن سیمرغ فقط نه برای فیلم محمد کارت، که برای همه حضورهای درست و به اندازه او در سینما می‌توانست هدیه‌ای شایسته باشد، برای بازیگری که از نقشی مکمل در «ارتفاع پست» و پیش از آن سریال ضعیف اما دیده شده «خاک سرخ» (ابراهیم حاتمی‌کیا) کارش را شروع کرد و در ۲۰ سال بیش از ۱۰ نقش آفرینی درجه یک در کارنامه‌اش ثبت کرد. حضورش در «روز برمی‌آید» (بین میربافری) در نقشی پیچیده شاید نخستین فرصتی بود که آقایی از آن درست استفاده کرد تا قابلیت‌هایش به‌عنوان بازیگری توانا که از ویژگی‌های ظاهری ستاره‌های دهه هشتاد (چشم‌روشن‌های خوش قیافه) برخوردار نبود، اما صدایی گرم و انعطاف‌پذیری بالایی داشت، تثبیت شود. بازیگری که نقش‌هایی متنوع را در همان چند سال نخست فعالیتش تجربه کرد.

سال ۸۹، آقایی چهار فیلم بازی کرد که در میان آنها «سعادت آباد» (مازیار میری) و «مرگ کسب و کار من است» (امیرحسین ترقی) به‌دلیل تفاوت نقش‌ها و فضای متفاوت هر دو فیلم بیشتر دیده شده و به نقطه عطفی در کارنامه این بازیگر تبدیل شد. در «سعادت آباد» و در جمع بازیگران حرفه‌ای و بازی‌های درخشان فیلم بویژه حامد بهداد، آقایی می‌توانست سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل را دریافت کند. تنوع نقش‌ها در کارنامه آقایی نشان می‌دهد که او هم برای بازی در نقش شخصیت‌های درونگرا مناسب است (سعادت آباد، چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت و...) و هم نقش‌هایی که جلوه‌های بدلیش‌ماهیت مانند تماشاگر، آنها را بیشتر می‌بیند. هاشم در «شنای پروانه» و بابک در «کوچه بی‌نام» (هاتف علیمردانی) از این جنس است. نقش‌هایی که تماشاگر عام بیشتر دوست دارد، این را می‌شود از ویدیوهای کوتاهی که هنوز از این دو کاراکتر در فضای مجازی دست به

دوره سی و چهارم در بهمن‌ماه ۱۳۹۴ با دبیری محمد حیدری در تهران برگزار شد. اعضای هیأت داوران بخش سودای سیمرغ این دوره شامل این افراد بود: ابوالحسن داوودی، محمد داوودی، مجتبی راعی، سید جمال ساداتیان، منوچهر شاهسواری، مهدی فخیم‌زاده و نیکی کریمی. از جمله حواشی این دوره، کنار گذاشتن فیلم اشغال‌های دوست داشتنی از جشنواره بود که شهاب حسینی، مشاور هنری دبیر این دوره در اعتراض به این حرکت از سمت خود در جشنواره کناره‌گیری کرد. فیلم‌های مطرح این دوره شامل این اسامی بود: ایستاده در غبار، ابد و یک روز، امکان مینا،

کپ‌روز

نیره خادمی خبرنگار

فیلم سینمایی «ماهان» ساخته حمید شاه‌حاتمی، کارگردان جوانی است که از ۱۷ سالگی در پشت صحنه فیلم‌های پدرش علی شاه‌حاتمی به‌عنوان دستیار، منشی صحنه، برنامه‌ریز و مجری طرح مشغول بوده و در سن ۲۵ سالگی نخستین فیلم سینمایی خود با عنوان رؤیای سینما را به‌صورت مشترک با پدر کارگردانی کرده است. «ماهان» اما نخستین تجربه مستقل او است که در چهلیمین دوره از جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شود؛ فیلمی که ۸ سال پیش پروانه ساخت آن صادر شده است و حالا تهیه‌کنندگی‌اش را نیز علی شاه‌حاتمی برعهده دارد. فیلم درباره بازیگر نتائری است که بیماری سرطان سرپرزندگی‌اش را تغییر می‌دهد. حمید شاه‌حاتمی به «ایران» می‌گوید که ماهان یک روایت متمایزانه دارد و سعی می‌کند تا درباره امکان حیات و نگاه به هستی از منظر یک فرد سخن بگوید. «سعی کردیم یک فیلم شریف و صادقه‌انه بسازیم و از ابتدا هم هدف خود را تخصیص سود حاصل از فروش این فیلم به کودکان سرطانی گذاشتیم. ماهان یک فیلم حادثه محور نیست، از خراب‌ستن و در خاک نبودن سخن می‌گوید. شیوه روایت فیلم فراز و فرودهای متداول در روایت‌های سینمایی و ایهام نیست. زبانی استعاری دارد و از زندگی می‌گوید.»



پیش از اینکه پدر، به‌عنوان تهیه‌کننده فیلم ماهان مطرح شود، باتیبه‌کننده دیگری هم وارد مذاکره شدید پی‌از ابتدا تصمیم همین بود که پدر در کنار شما باشد؟ خیر، از همان ۸ سال پیش که پروانه ساخت این فیلم را به‌عنوان کارگردان دریافت کردم همیشه با نام پدرم به‌عنوان تهیه‌کننده همراه بوده‌ام. مطمئناً بدون وجود رابطه پدر پسری چنین فیلمی در این ژانر، با توجه به بودجه محدود، تعدد لوکیشن‌ها و سختی‌های خاص خود قابل ساخت و تولید نبود.

خلاف تصور عموم همکار بودن با پدری

اما در اکثر موارد من به تجربه ۴۵ ساله پدر اعتماد می‌کردم که در پایان کار هم متوجه شدم اعتماد به تجربیات پدر و اصرار نکردن بر انجام برخی از کارها تصمیم درستی بود. اساساً نگاه شما در فیلمسازی چقدر با پدرتان متفاوت است؟ فکر می‌کنم هنوز خیلی زود باشد که بتوانم جواب این سؤال را بدهم، بعید می‌دانم کسی با ساخت یک یا دو فیلم بتواند به درک جامع و درستی از نگاه خودش به سینما و فیلمسازی دست پیدا کند.

تحصیلات مرتبط هم در این زمینه دارید؟ بعد از اتمام دوره هنرستان و دریافت دیپلم هنر در رشته نقاشی از ایران مهاجرت کردم، اما خارج از ایران وارد دانشگاه شده و در رشته‌ای غیرهنری به مدت یک سال تحصیلاتم را ادامه دادم البته قبل از اینکه به دلایل کاری و شخصی دانشگاه را رها کنم.

پیش از این چه تجربیاتی در زمینه سینما و فیلمسازی داشتید؟

بجز فیلم رؤیای سینما که به‌صورت مشترک کارگردانی شده بود، چند فیلم کوتاه هم ساختم که یکی از آنها در انتهای دوره هنرستان و با همکاری دوست خوبم هامون قاپچی ساختم، که اتفاقاً نویسنده و بازیگردان پروژه ماهان هم هست ولی خارج از صندلی کارگردانی من از سن ۱۷ سالگی تقریباً در پشت صحنه تمام فیلم‌های پدر مشغول بودم، از دستکاری گرفته تا منشی صحنه، برنامه‌ریز و مجری طرح بودن، البته در کارهایی که خارج از ایران تولید یا فیلمبرداری می‌شد به خاطر تسلط به زبان انگلیسی و بحث تولید، گاهی وظیفه ۴-۳ نفر گردن من بود.

به بهانه نمایش نسخه مرمت شده «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی در «قاب ماندگار» وقتی که قهرمان می‌گیرد

یکی از آثاری که در مطرح شدن بیشتر سینمای ایران در سطح بین‌المللی مؤثر بود مجید مجیدی در اواخر دهه هفتاد خورشیدی کارگردانی کرد. بچه‌های آسمان فیلمی با رویکرد انسانی و اخلاقی که فقر و همدلی خواهر و برادری در ابتدای سنین نوجوانی را به زیبایی روایت می‌کرد تا نامزدی جایزه اسکار بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان هم پیش رفت. مجیدی که از جمله چهره‌های برخاسته از نسل اول حوزه هنری محسوب می‌شود پس از چند سال بازیگری موفق در آثاری مانند بابکوت، شنا در زمستان و تیرباران که مضامینی انقلابی و ایدئولوژیک داشتند پا به دنیای کارگردانی گذاشت. آثاری همچون پدوک و پدر از جمله اولین تجارب او در عرصه فیلمسازی بود و مجیدی با کوله باری قریب به دو دهه تجربه بچه‌های

قاب ماندگار



مازیار معاونی منتقد سینما

دختر، خشم و هیاوو، بادبیار، لانتری، اژدها وارد می‌شود، نفس، سیانور، برادرم خسرو، لاک قرمز، متولد ۶۵ و من. سیمرغ بلورین بهترین فیلم با حضور فیلم‌های رقیب مانند: امکان مینا، ابد و یک روز، آخرین بار کی سحر را دیدی؟ و دختر، به فیلم ایستاده در غبار رسید اما در مقابل سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی به سعید روستایی به خاطر فیلم ابد و یک روز رسید؛ ضمناً این فیلم موفق شد تا سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و بهترین تدوین را نیز کسب کند. پرویز پرستویی موفق شد تا سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را به خاطر بازی در فیلم بادبیار از آن خود کند. همچنین پریناز ایزدیار موفق شد به خاطر بازی در فیلم ابد و یک روز، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را کسب کند. محمدرضا علیقلی موفق شد



یک تناقض تأثیربرنگیز و بنا به موقعیت فاجعه بار اقتصادی خانواده به جای ابراز شادی از کسب مقام اول، می‌گیرد که چرا به مقام سومی که جایزه‌اش یک جفت کتانی ورزشی بوده دست نیافته است! تصویری ماندگار از فیلمی



فیلم ماهان مخاطبان را در برابر چه داستانی قرار می‌دهد؟

فیلم ماهان یک روایت متمایزانه دارد. سعی می‌کند تا درباره امکان حیات و نگاه به هستی از منظر یک فرد سخن بگوید. ماهان یک فیلم حادثه محور نیست، از خراب‌ستن و در خاک نبودن سخن می‌گوید. شیوه روایت فیلم فراز و فرودهای متداول در روایت‌های سینمایی و ایهام نیست. زبانی استعاری دارد و از زندگی می‌گوید. داستان فیلم به زندگی یک بازیگر نتائر گره خورده است، بازیگری که در جریان کار با مشکلاتی درباره سلامتی‌اش روبه‌رو می‌شود. احتمالاً شما در زندگی هنری، فردی اجتماعی خود داستان‌های زیادی درباره زندگی هنری یک بازیگر یا کارگردان سینما و نتائر دیده و شنیده‌اید اما آیا ماجرای بیماری شخصیت اصلی داستان شما مایه‌ای از بیرونی‌داشت؟

ایده اولیه این فیلم براساس یک داستان واقعی از زندگی یک زوج هنری شکل گرفت که پس از درگیر شدن با سرطان بعد از فراز و نشیب‌های فراوان تصمیم مهمی می‌گیرند. آشنایی ما هم با این زوج از طریق تماشای یک مصاحبه تلویزیونی بود و فکر کردیم که چه قدر می‌توانند دستمایه خوبی برای یک فیلم باشند. همراه با هامون قاپچی و زهرا شاه‌حاتمی (نویسنده‌گان) ایده را پرورش دادیم و شخصیت‌های دیگری را هم اضافه کردیم و سفر ماهان را آغاز کردیم.

درباره ترکیب بازیگران چرا سراغ سلبریتی‌ها نرفتید؟

بواسطه نوع روایت و فرم، فیلم به سینمای بدنه تعلق ندارد و برای همین هزینه‌های سرسام آور بازیگران چهره را هم نمی‌خواست و نمی‌توانست داشته باشد.

بهرام بیضایی با «باشو غریبه کوچک» اوجی در بازی گرفتن از کودکان و نوجوانان کم سن و سال را رقم زده و بودند مجیدی هم با هدایت حساب شده دو قهرمان اثرش جایگاهی ویژه در این حوزه برای خود باز کرد، البته بجز دو نوجوان بازیگر، فیلم یک رضا

به خاطر موسیقی متن دو فیلم امکان مینا و دختر، سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن را به دست آورد. سعید ملک‌ان نیز موفق شد به خاطر چهره‌پردازی در دو فیلم امکان مینا و ابد و یک روز، سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی را کسب کند. جایزه ویژه هیأت داوران به فیلم خشم و هیاوو و سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به فیلم ابد و یک روز رسید.